

به ارتباط اصلاح املائی پارچه شعر (ظهوری) توسط نوروز علی (ثابتی)

هفتاد و دو سال درس خواندم شب و روز معلوم شد که هیچ معلوم نشد

محترم نوروز علی (ثابتی) صاحب! بیت فوق چکیده است از افکار نابغه و فیلسوف بزرگ ناصر خسرو که در باره آموختن علم و دانش های مختلفه زمانش خرد مندانه نگاشته برای نسل های بعدی اش آنرا اندر ز گونه بیاد گار گذاشته است.

اگر از دانش های دیگر او بگذریم، به اساس نوشته های تاریخی متقدمین، آن مرد خردمند و صاحب فضل و دانش چهار کتاب آسمانی را آموخته و حفظ نموده، دل های تاریک پیروان و معتقدین اهل این کتاب ها را در عصر و زمانش با نور علم و معرفت روشن و منور گردانیده اهل هر کتاب را تدریس نموده است. ولی با این همه دانشش زبان به ستایشش نکشوده، و اگرگاهی به فضل خویش نازیده، بحق که سزاوار چنین نازیدن بوده است، منظور این است که میدانم جوان تحصیل یافته و دارای استعداد توانائی هستی، ولی باز هم رشته خاصی به تنهائی بسنده نبوده جهت رشد و انکشاف نبوغ فطری تان در عرصه های دیگر علوم ایجاب سعی و تلاش بیشتری می نماید، زیرا خود میدانید که علم بحر بی پایانی است که غوا صان علم و دانش به آسانی نمیتوانند در اعماق آن غوطه بخورند و مروارید های گرانبهای دانش را از آن بکف آورند. هر چند در نتیجه سعی و تلاش میتواند بخشی ازین علم را نصیب شوند، ولی جهت ارزش دادن به آن باز هم نیازی به آموزش های سنتی مردم دارند که باید آنرا از مکتب جامعه و محیط زیست و مردم و اجتماع بیاموزند و با عملی نمودن آن از دانش های علمی شان بهره ور شوند.

زیرا علم و دانش بدون آموزش و عملی نمودن سنت ها و ارزش های مردمی و احترام به آنها در اجتماع چندان ثمره ندارد. چنانچه باز هم پیرفرزانه و حجت بزرگ خراسان مروارید های سخنان را این گونه برشته نظم کشیده است.

نی نی که چرخ و دهر ندانند قدر فضل این گفته بود وقت جوانی پدر مرا

بعد از نوشته های فوق حالا می پردازم به ارائه جواب بعضی از نوشته ها و صورت صحت بودن و عدم صحت بودن املائی نوشته های اشعار شغنائی ام.

محترم ثابتی صاحب! قبلاً نیز درین باره تذکر داده بودم که من جملات و کلمات شغنائی را طوری نوشته میکنم که مطابق به صوت و آوای کلمات مردم باشد، نه اینکه چون نوشتاری شما (مالهن - مالین)، (چارکهن - چارکین) و امثال این ها که تلفظ کلام یک چیز و صورت نوشتن آن به شکل دیگری صورت بگیرد. چنانچه درین مورد بار بار انتقاد گرفتید و من عین جواب را ارائه نمودم.

هم قشلاقی ام ثابتی صاحب! قسمیکه در مقاله اولی تان الفبای ما را برای سی هزار نفر نفوس شغنان نا مانوس گفته بودید، به گمان اغلب این نوشته ها و صورت املائی تان در حال حاضر برای دیگران نا مانوس به نظر میرسد، ولی اگر دقیق متوجه شویم اصل و واقعیت را جستجو و آنرا درک کنیم، مردم ما تا کنون ۹۹٪ بلکه اضافه تر از آن به خواندن و نوشتن زبان شغنائی آشنایی نداشته و به نسبت نداشتن الفبای شغنائی درین مورد علاقه ندارند. پس نتیجه این برترجویی چیست و چه فایده دارد؟ جز اینکه

با مشوره و تفاهم با اکثریت اهل دانش ریشه های فرعی اختلافات و ناهمگونی زبانی و قلمی را دور سازیم و ریشه های اصلی و حدت و یکرنگی را تربیت و تقویت نمائیم تا نهال آرزو و آرمان ما که عبارت از رشد و انکشاف زبان مادری ما است در باغ ملک و وطن سرسبز و بارور گردد. هم قشلاقی ام ثابتی صاحب! چون من از چندین سال به این طرف اشعارم را با این الفبای انتخابی خود نوشته کرده ام و الی زمانی که الفبای زبان شغنائی توحید نگردیده و در شکل املائی آن توسط چند نفر هیئت فرهنگی این زبان اصلاحات تائیدی صورت نگرفته باشد، من نوشته هایم را مطابق به برداشت فکری خود به تحریر می آورم. ولی ادعای آنرا ندارم که صورت املائی من بکلی صحت است، بلکه میگویم نه تنها نوشته های املائی من و دیگر دوستان متهم به فقره جرم نادرست و نامانوس بودن الفبای شغنائی غلطی ها دارد. نوشته های جناب عالی نیز بکلی صحت نبوده در پیکره های خود بسی داغ های غلطی دارد، با وجود آنکه پدر مشفق تان از آوان مکتب ابتدائیه برای شما الفبای شغنائی رهنمائی کرده و خود شما نیز نظر به سلیقه و استعدادی که در مورد آموختن زبان مادری داشته اید از هیچ گونه زحمت کوشی سهل انگاری نکرده اید. ولی وای بر حال ما که پدران ما جهت خواندن و نوشتن زبان شغنائی علاوه از اینکه خود شان درین رشته بی سواد بودند و برای ما چیزی نیاموختند و رهنمائی نکردند، و از گذشته گان نیز چیزی را ندیدیم و نخواندیم. تا اینکه در ایام وظیفه داری خود متوجه خواندن و نوشتن زبان مادری خود گردیدیم و به فکر آن شدیم تا تلاش نمائیم اگر بتوانیم برای زبان مادری خود الفبائی را ازین گوشه و آن گوشه پیدا و انتخاب نموده، جملات زبان شیرین خود را آهسته آهسته بسوی نوشتاری بکشانیم. همان بود که همین الفبای موجود تحت استفاده خود را انتخاب و تا کنون در نوشته های خود از آن کار گرفتیم.

محترم ثابتی صاحب! یک پارچه شعر مرا با قلم سرخ اصلاح و مرا متوجه ساخته اید که غلطی های مرا اصلاح نموده اید. بگفته صبار صاحب آیا این کار شما مضحک و خنده آور نیست، اگر به جای اصلاح کردن فرضاً اشعار مرا پرنت میگردید و چون مظاهره چیان آنرا حریق می نمودید، آیا برای تان کدام فایده می بود. همچنین همین اصلاح کردن اشعار من به قلم سرخ جز بر تر جویی کدام سودی برای خودت و کدام نقصی برای من خواهد بود؟ هرگز نه زیرا اگر نوشته های مرا صد بار هم اصلاح میکنید، سودی برای تان نخواهد بود و مربوط میشود به شخصیت و اهلیت خودت. من نوشته هایم را بدل خود نوشته میکنم، نه به اساس انتقادات شما، ولی چون شما ندانستید که الفبای و نوشتاری و نظریات خود را چگونه بالای مردم شغنان بقبولانید، من حالا برای تان رهنمائی میکنم: لطفاً الفبای زبان شغنائی و صورت نوشتاری تان را با تمام فونیم ها، گرافیم ها و آواهای آن به شکل کمپیوتری ترتیب و تنظیم نموده به وزارت معارف مراجعه نمائید و به اساس احکام آن وزارت به اتفاق محترم داکتر صاحب (پامیر زاد) و دیگر همکاران شان در تکثیر داشته های فکری تان اقدام نمائید. در آن صورت این نظریات شما از طریق تدریس برای شاگردان در مکاتب شغنان شکل عملی گرفته، در نوشته های مضامین درسی عمومیت پیدا میکند. در غیر آن با اصلاح کردن اشعار من و تاخت و تاز بالای دیگران کاریست غیر معقول و بدون نتیجه، جز اینکه تمام اندیشه های تان را از طریق وزارت معارف و شاگردان مکتب ترویج و عملی نمائید. زیرا این کاریست بنیادی و تهدابی که اساس آموزش تمام زبان ها و اصول تدریس تمام علوم از همین شیوه صورت می گیرد. در ختم نوشته هایم بگفته (صبار) صاحب که این گونه نوشته های بی مفهوم و بی نتیجه به خرمن بی دانه می ماند که ما و شما آنرا باد میکنیم و وقت گرانها و پرارزش خود را هدر می سازیم، بهتر است اگر بتوانیم در موضوع دیگری که سودمند تر باشد فرصت را غنیمت دانسته با فکر دقیق از

وقت استفاده نمائیم، در غیر آن مطمئنم که خواننده گان عزیز به چنین نوشته هایی علاقه نداشته وقت گرانبهای شان را صرف خواندن آن نمیکنند.

موضوع دیگری را که قابل ذکر و یاد آوری میدانم این است که تمام دوستان و اهل قلم نباید زحمات و کار کرد های این سه نفر پر کار و زحمت کش هر یک داکتر خوش نظر (پامیر زاد)، معاون سر محقق خیر محمد (حیدری)، علی شاه (صبار) و دیگر همکاران شانرا نا دیده گرفته، زحمت کشی و تلاش آنها را که از چند سال به اینطرف در رشد و انکشاف زبان شغنانی صادقانه متحمل گردیده اند، به دیده اغماض نگریسته از کار کرد و دست آورد های شان چشم پوشی نمائیم. آنها تا جائیکه قوای ذهنی و جسمی داشتند درین راه از پا نه ایستادند، دیدیم و شنیدیم که محترم (حیدری) صاحب جهت نوشتن جملات و کلمات اصیل شغنانی از کابل به شغنان رفتند و از آنجا رنج و زحمت راه را قبول نموده به منطقه صعب العبور خنج و دولت شاهی رفتند و کلمات و جملات شغنانی را که در مرکز و اطراف ولسوالی شغنان در حال فراموشی و محو شدن بود نوشته درج کتاب شان نمودند. همچنین محترم (صبار) نیز با عرق ریزی ها و توانمندی های شان کتاب درسی و قاموس لغات زبان شغنانی را ترتیب و تالیف و نزد خود موجود دارند. به همین ترتیب محترم (پامیر زاد) صاحب و همکاران شان نیز با استعداد و امکاناتی که داشتند جهت آموزش زبان شغنانی برای اولین بار کتاب های درسی نوشتند و تالیف نمودند. اما این مهم نیست که در حال حاضر الفبا و صورت املائی کتاب های شان هم شکل و هم مانند نیست، زیرا کتاب های درسی به زبان شغنانی فعلاً تألیف و آماده گردیده اند، لهذا هر زمانیکه الفبای توحیدی زبان شغنانی شکل رسمی را بخود گرفته و صورت املائی این نوشته ها نیز توسط یک کمیسیون فرهنگی زبان شغنانی اصلاح و مورد تأیید قرار گرفت نوشتن دوباره آثار این نویسنده گان به اصول الفبای تأیید شده چندان مشکلی نیست. ولی چون آغاز هر کار و هر پروژه توأم با مشکل می باشد، نباید آنها را درین عرصه ملامت نمود. طور مثال، اشخا صی که قبل از بهره برداری یا قبل از اكمال احداث سرک عمومی شغنان الی اشکاشم از این سو به جانب آن ولسوالی سفر نموده باشند، دیده اند که مسیر این راه چقدر پر خم و پیچ بوده، مسافرین گاهی از کنار دریای آمو بر فراز قله های کوه و تپه بر آمده، زمانی از قله های کوه های سر بفلک از طریق راه های باریک و صعب العبور و سرنشیبی ها پایین آمده، چندین روز سفر شان را طی طریق نمودند. حتی در موسم سرمای زمستان در پرتگاه ها و نقاط خیلی خطرناک، بار های شان را از بالای اسپ ها و الاغ های شان پایین آورده بر شانه های خود می گذاشتند و با هزاران مشکلات ازین سوی پرتگاه به آن سوی پرتگاه انتقال میدادند و بعداً مرکب های شان را با احتیاط تمام انتقال داده به سفر شان ادامه میدادند. تا اینکه چند سال قبل به اساس تحرک و خود جوشی باشنده گان این ولسوالی ها بعضی نقاط بدون صخره و سنگ های بزرگ هموار گردید و با الآخره بالاثتر کمک های بشر دوستانه بعضی مؤسسات و به همت و زور بازوی مردم و اهل فن، این سرک در برج قوس ۱۳۸۹ تکمیل و تحت استفاده عامه مردم قرار گرفت.

به استناد مثال فوق دوستان و برادران ما نیز که جهت آموزش زبان شغنانی درین مسیر تازه قدم برداشته اند خالی از دشواری ها نبوده و هنوز هم دچار عالم مشکلات می باشند، زیرا آنها به اساس اعلان وزارت معارف که در مورد زبان های سوم کشور در سال ۲۰۰۷ بدون آماده گی و تجارب کاری قدم درین عرصه گذاشتند و بدون کدام رهنمود از گذشته گان، آغاز بکار نمودند، طبعاً با مشکلات و نا توانی روبرو بودند. بگفته علی شاه (صبار) این فقط فرصتی بود که بانک جهانی و دولت افغانستان در اختیار زبان های سوم کشور قرار داده بودند. جهت معلومات مفصل تر موضوع، نوشته های تحت عنوان (اظهار نظر محترم صبار صاحب، نوشته های تاریخی ۲۲ دلو ۱۳۸۹) که در

سایت سیمای شغنان به نشر رسیده دقیق تر مرور نمائید، خلاصه این عنایتی که بانک جهانی در حق زبان های سوم کشور کرده بود آیا تحت استفاده قرار میگرفت یا خیر؟

این بهترین فرصتی بود که این چهار نفر هر یک (پامیر زاد) (صبار) ، (حیدری) و (بیکزاد) به وزارت معارف مراجعه نمودند و جهت به رسمیت شناختن زبان شغنانی از طرف وزارت معارف و جهت رشد و انکشاف این زبان اقدام و آغاز بکار نمودند و تا جائیکه توانائی فکری و جسمی داشتند در نوشتن کتاب های درسی بذل مساعی نمودند، ولی اینکه سه حرف انتخابی شان با الفبای عده ی از دوستان تفاوتی دارد ، امید است آنهم بعد از میانجیگری و مشوره های دسته جمعی دانشمندان و نویسندگان زبان شغنانی الفبای توحیدی ترتیب و به تعقیب آن صورت املائی نوشته ها نیز توسط اشخاص مجرب بر طرف خواهد گردید .

حالا اگر در مورد کار کرد شان نظر اندازی و قضاوت بیطرفانه کنیم می بینیم که زبان مادری ما شکل رسمی و صورت نوشتاری را بخود گرفته است آیا این دست آوردی نیست؟
قبول کنیم که لطف وزارت معارف افغانستان و کمک های بانک جهانی بود که در احیای زبان های سوم کشور خدمات بشر دوستانه نمودند ، ولی پیشبرد امور دیگر این پروژ ه بدوش این اشخاص بود که از صفر و از هیچ آغاز بکار نمودند و با توانمندی و استعدادی که داشتند با گام های آهسته پیشرو این جاده نا هموار و پر از خم و پیچ گردیدند ، ولی باز هم اگر این را نا دیده بگیریم و ادعا نمائیم که اگر به جای این چهار نفر مؤظفین بخش زبان شغنانی فرضاً از استادان مجرب و دانشمندان ولسوالی شغنان یا از استادان شغنانی زبان از مرکز کابل جهت پیشبرد این امور مؤظف میگرددند ، با اطمینان کامل گفته میتوانم که شانه های آنها نیز از سنگینی بار ملامتی اکثریت وطنداران آسوده نمی ماند و باز هم مورد تاخت و تاز دیگران قرار میگرفتند. زیرا این عادت دیرینه مردم ما است که از سال های قبل در مورد انتخاب قریه دار، گدامدار، در مورد انتخاب وکلا، یکی بر ضد دیگری قد علم میکردند و اگر خود شان در آن عرصه بر مرام خود فایق نمیگردیدند ، روی عوامل گوناگونی مانع موفقیت دیگران نیز میگرددند ، به همین ترتیب در عرصه علم و فرهنگ نیز اگر یکی به اساس لیاقت و دانش خود مقام شایسته دولتی را نصیب میگردد ، و یا یکی به اساس اهلیت و شخصیت خود در بین مردم و جامعه جایگاه برارنده پیدا میکرد ، حسودان باز هم به بد گوئی او می نشستند و در پایین آوردن شخصیت و مقام اجتماعی آن تخریبات می نمودند، بهر صورت چون هدف اصلی توحید نمودن الفبای زبان شغنانی است بدون شک محترم(پامیر زاد) ، و محترم (حیدری) ، همچون (صبار) صاحب از طریق سایت سیمای شغنان ازین جوش و خروش آگاهی حاصل می نمایند و با شوق و علاقه مندی داخل این بزم و رزم خواهند شد.

با تقدیم احترام به همه خواننده گان سایت شغنان
(ظهوری)